

نگاهی گذرا به ترجمه متون مقدس و ترجمه های قرآن

حسن رضائی باغبیدی*

۱. مقدمه

متن مقدس اصطلاحاً به متنی گفته می شود که پیروان یک دین آن را می پذیرند، اصول اعتقادی خود را بر پایه آن بنا می نهند و در نمازها و نیایشها، آیینهای دینی، تزئین معابد و منازل، استخاره و تفال، و گاه حتی در سحر و جادو از آن بهره می گیرند. پیروان همه ادیان برای متون مقدس خویش احترامی خاص قائل اند. چنان که می دانیم، هنوز در بسیاری از خانواده های مسلمان قرآن را در پارچه های ابریشمی می پیچند یا در صندوقی مخصوص نگاه می دارند. کتاب مقدس (*Bible*) نیز از معدود کتابهایی است که هنوز در بسیاری از کشورهای دنیا با جلد چرمی منتشر می شود.

متون مقدس قالب ادبی ثابتی ندارند و از لحاظ موضوع، تعداد، حجم، قدمت و حتی میزان قداست تفاوتهایی با یکدیگر دارند. برخی از کتابهای مقدس منثور و برخی منظوم اند. کتابهای مقدس یهودیان و مسیحیان، و تا اندازه ای قرآن، سرشار از روایات تاریخی است، اما در کتابهای مقدس برخی از ادیان آسیایی که رستگاری را در گروهایی از تاریخ می دانند، روایات تاریخی جایی ندارد. موضوع اوپانیسادهای فلسفه مابعدالطبیعه است، اما در امثال سلیمان نبی جز فلسفه

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

اخلاق نمی توان یافت. و دهاا سرشار از سرودهایی است که باید در مراسم قربانی خوانده شود، اما مکالمات کنفوسیوس هیچ آیین و رسمی را تجویز نمی کند.

تعداد متون مقدس هر یک از ادیان نیز متفاوت است. قرآن تنها کتاب مقدس مسلمانان است، اما کتاب مقدس مسیحیان مجموعه کتبهای عهد عتیق و عهد جدید را شامل می شود. اوستای کنونی مجموعه ای از پنج کتاب مستقل است که موضوع و زمان تألیف هر یک با دیگری متفاوت است و گاه حتی بخشهای مختلف یک کتاب در زمانهای مختلف پدید آمده است. از ویژگیهای مهم مکاتب هندویی، بودایی، جایی، کنفوسیوسی و دائویی اعتقاد به مجموعه متنوعی از متون مقدس است. برای مثال در مکتب بودایی مهاییانه بیش از هزار متن مقدس وجود دارد.^۱ نیز آخرین چاپ اصلی مجموعه متون مقدس دائویی که در سال ۱۹۲۶ میلادی منتشر شد، ۱۱۲۰ جلد را شامل می شود.^۲ پیروان هر یک از ادیان زبان متون مقدس خویش را نیز مقدس می شمارند و در پاره ای از موارد آنرا زبان فرشتگان، نخستین زبان نوع بشر، مادر همه زبانها یا کامل ترین زبان دنیا می پندارند. یهودیان از دیرباز زبان عبری را «زبان مقدس» می نامیدند و معتقد بودند که بیهوشی جهان را از طریق این زبان آفریده است.^۳

اغلب متون مقدس، در آغاز، شفاهاً از نسلی به نسل دیگر منتقل می شدند و پس از گذشت قرنها به کتابت درآمدند. مثلاً، کهن ترین بخش اوستا که گاهان (یا گاتاها) نامیده می شود و هفده سرود منسوب به زردشت، پیامبر ایران باستان، است؛ به روایتی، در آغاز هزاره نخست پیش از میلاد سروده شد^۴، اما ابداع خط اوستایی و در نتیجه به کتابت درآمدن اوستا احتمالاً در سده چهارم میلادی بوده است.^۵ در برخی از ادیان، مثلاً در دین هندویی، «متن شفاهی» بر «متن مکتوب» ارجحیت دارد^۶، در حالی که در برخی دیگر از ادیان، مثلاً یهودیت و اسلام، «متن مکتوب» کتاب مقدس از ارزش، اعتبار و احترامی خاص برخوردار است. به اعتقاد یهودیان، هنگامی که خداوند می خواست تورات را به موسی (ع) بسپارد، فرشتگان لب به اعتراض گشودند و گفتند: آیا تورات زیبا را که از [آغاز] آفرینش پنهان کرده ای... می خواهی به انسان بدهی؟^۷

1. Van Voorst 1997, p. 5.

2. *Ibid*, p. 167.

3. Sawyer 1999, p. 26.

۴. درباره زمان زندگی زردشت نک: آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰، ص ۲۱-۲۳.

5. Hoffmann 1989, p. 50.

6. Sawyer 1999, p. 52.

7. *Ibid*, p. 105.

چنان‌که می‌دانیم قرآن نیز درباره خود می‌فرماید: *بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ، فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ*^۸. اهمیت «متن مکتوب» گاه به اندازه‌ای بوده است که حتی خط به کار رفته در آن را نیز مقدس شمرده‌اند. مصریان باستان خط خود را «خط زبان خدایان» می‌نامیدند^۹ و به همین علت است که یونانیان از آن خط با عنوان *hierogluphikós* (=هیروگلیف) یاد کرده‌اند که به معنی «حکاکی مقدس» است.^{۱۰} خط اوستایی نیز از دوره ساسانی به «دین دبیری» (= خط [کتاب] دینی) معروف بوده و تا مدتها صرفاً در نگارش اوستا مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^{۱۱} قداست متن مکتوب قرآن نزد مسلمانان به اندازه‌ای است که حتی دست زدن به یکی از حروف آن را بدون وضو حرام می‌دانند.^{۱۲}

پیروان اکثر ادیان ترجیح می‌دهند که کتاب یا کتابهای مقدس خویش را به زبان اصلی بشنوند و بخوانند، زیرا، حتی اگر معنی آن را در نیابند، تنها در آن صورت است که می‌توانند عین کلمات و جملاتی را که بر زبان رهبر یا رهبران‌شان جاری شده یا بر پیامبر یا پیامبران‌شان نازل شده است، بشنوند و آرامش روحی بیابند. به همین دلیل است که زردشتیان هنوز اوستا و نمازهای روزانه‌شان را به زبان اوستایی می‌خوانند، در حالی که قرن‌ها از مرگ این زبان می‌گذرد و حتی در دوره ساسانی که دین زردشتی دین رسمی ایران بود، قرن‌ها از مرگ زبان اوستایی می‌گذشت.

متون مقدس چنان در روح و جان پیروانشان نفوذ کرده‌اند که تأثیر آنها را در همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی آنان می‌توان دید. بسیاری از متون مقدس از چنان جایگاه رفیعی در فصاحت و بلاغت برخوردارند که مبنای دستور یک زبان قرار گرفته‌اند. مثلاً می‌توان به نقش قرآن در تدوین دستور زبان عربی و نقش کتاب جینگ (از متون مقدس مکتب کنفوسیوس) در تدوین دستور زبان چینی اشاره کرد. از لحاظ ادبی نیز متون مقدس از بهترین و غنی‌ترین منابع الهام‌بخش شاعران و نویسندگان بوده‌اند. واژه‌ها، عبارتها، استعاره‌ها، تمثیلهای و بسیاری دیگر از مواد زبانی و ادبی موجود در متون مقدس را در ادبیات پس از آنها نیز می‌توان یافت. متون مقدس

۸. سوره بروج، آیات ۲۱ و ۲۲.

9. Sawyer 1999, p. 52.

10. Onions 1983, p. 440.

11. Tafazzoli 1993, p. 540.

۱۲. گفتنی است، فقهای مسلمان، تنها لمس متن عربی قرآن را بدون وضو حرام می‌دانند؛ بنابراین، لمس ترجمه قرآن بدون وضو از نظر ایشان بلا مانع است.

الهام بخش هنرمندان خوشنویس، نقاش، مجسمه‌ساز و حتی موسیقیدان نیز بوده است، به گونه‌ای که بسیاری از آثار بزرگ هنری دنیا ریشه در این متون دارد.^{۱۳}

۲. پیشینه ترجمه متون مقدس

ترجمه متون مقدس به گذشته‌ای بسیار دور باز می‌گردد. اسفار خمسه تورات در حدود اواسط سده سوم پیش از میلاد و بقیه کتب عهد عتیق در سده دوم پیش از میلاد به زبان یونانی ترجمه شد. این ترجمه، که قدیم‌ترین ترجمه موجود عهد عتیق است، به «Septuagint» «هفتاد» مشهور است^{۱۴} و ظاهراً برای استفاده جامعه یهودیان مصر فراهم آمده بود، زیرا در آن هنگام، زبان یونانی «زبان میانجی» (lingua franca) سراسر آن منطقه بود.^{۱۵} این ترجمه ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است، زیرا به اعتقاد مترجمان آن روزگار تنها از این طریق می‌توان تصویر کاملی از متن اصلی عرضه کرد.^{۱۶} عهد عتیق را قرن‌ها بعد جروم قدیس (Saint Jerome, حدود ۳۴۷-۴۱۹ میلادی) به زبان لاتینی ترجمه کرد. اگرچه جروم طرفدار ترجمه مفهوم به مفهوم بود و از ترجمه کلمه به کلمه انتقاد می‌کرد، کتاب مقدس را استثنا می‌دانست و معتقد بود، باید آن را کلمه به کلمه ترجمه کرد، زیرا در ترتیب هر یک از کلمات کتاب مقدس رازی نهفته است.^{۱۷}

نخستین ترجمه کامل کتاب مقدس به زبان انگلیسی زیر نظر جان وایکلیف (John Wycliffe, حدود ۱۳۳۰-۱۳۸۴ میلادی) به انجام رسید، اما از آنجا که این ترجمه دارای سبکی آزاد بود و مبنای ترجمه را جمله قرار داده بودند، خواندن آن ممنوع اعلام شد.^{۱۸}

مارتین لوتر (Martin Luther, ۱۴۸۳-۱۵۴۶ میلادی) با اعتقاد به اینکه معیار اصلی برای سنجش و ارزیابی متن ترجمه شده «قابل فهم بودن» آن است، نخستین ترجمه نسبتاً آزاد

13. Graham 1995, p. 144.

۱۴. از لاتینی Septuaginta «هفتاد». علت این نامگذاری آن است که به اعتقاد یهودیان، ۷۲ مترجم (۶ مترجم از هر یک از ۱۲ سبط بنی اسرائیل) در فراهم آوردن آن سهیم بوده‌اند. بنا به روایات یهودی، هر یک از گروه‌های شش نفره، جداگانه به ترجمه متن پرداختند، اما در پایان همه آنها یکسان بود.

15. *The New Encyclopaedia Britannica* 1994, vol. 10, p. 643.

16. Miremadi 1993, p. 45.

17. *Ibid*, pp. 48, 50-51.

18. Ginsberg et al. 1986, p. 137; cf. Miremadi 1993, pp. 59-60.

خود را از کتاب مقدس به زبان آلمانی در سال ۱۵۳۴ میلادی منتشر کرد.^{۱۹} ویلیام تیندیل (William Tyndale، حدود ۱۴۹۰-۱۵۳۶ میلادی) نیز که از اصلاح‌طلبان انگلیسی بود، پیش از زندانی شدن و ظاهراً با پیروی از اصول لوتر، عهد جدید و بخشهایی از عهد عتیق را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. او در زندان نیز مشغول ترجمه دیگر بخشهای عهد عتیق بود، اما سرانجام در سال ۱۵۳۶ میلادی او را به جرم ارتداد سوزاندند. از ویژگیهای مهم ترجمه او سعی آگاهانه در تغییر کلماتی بود که باورهای کلیسای کاتولیک رومی را تداعی می‌کرد، مثلاً، به جای واژه‌های *repent* و *priest* از واژه‌های *congregation* و *do penance* (یا *older*) استفاده می‌کرد.^{۲۰} ترجمه تیندیل بر ترجمه معروف کینگ جیمز (King James)، که در سال ۱۶۱۱ میلادی منتشر شد، و نیز بر اغلب ترجمه‌های بعدی کتاب مقدس به زبان انگلیسی تأثیر به‌سزایی داشت.^{۲۱}

چنان‌که از نمونه‌های بالا می‌توان یافت، از دیرباز اختلاف نظر جدی درباره این‌که آیا ترجمه متون مقدس باید لفظی باشد یا آزاد، وجود داشته است. بررسی ترجمه‌های کهن قرآن به زبان فارسی نیز نشان می‌دهد که چنین اختلاف نظری در میان مسلمانان هم وجود داشته است. سلمان فارسی را نخستین کسی می‌دانند که قرآن را به زبان فارسی ترجمه کرد^{۲۲}، اما اثری از ترجمه او بر جای نمانده است.^{۲۳} قدیم‌ترین ترجمه کامل قرآن به زبان فارسی که تاکنون بر جای مانده ترجمه تفسیر طبری است که به فرمان امیر منصور بن نوح سامانی (حکومت: ۳۵۰-۳۶۵ قمری) و به دست عده‌ای از علمای ماوراءالنهر به انجام رسید. اگرچه در این کتاب مباحث تفسیری به زبانی ساده و روان نوشته شده، ترجمه آیات قرآن در آن کلمه به کلمه است.^{۲۴} پیش از این ترجمه، احتمالاً ترجمه‌های تحت‌اللفظی و حتی ترجمه‌های آزاد نیز به زبان فارسی موجود بوده است. برای نمونه می‌توان به ترجمه آهنگین حدود دو جزء قرآن (از آیه ۶۱ سوره یونس تا آیه ۲۵ سوره ابراهیم)

19. Nida 1964, pp. 14-15.

20. Ginsberg et al. 1986, p. 137.

21. Miremadi 1993, p. 71.

22. Nasr and Mutahhari 1975, p. 466.

۲۳. به روایتی، اهل فارس نامه‌ای به سلمان فارسی نوشتند و از او خواستند که ترجمه سوره فاتحه را برایشان بفرستد. او نیز نامه خود را با «به نام یزدان بخشاینده» آغاز کرد (سلساسی زاده ۱۳۶۹، ص ۸۹). بنابراین، عبارت «به نام یزدان بخشاینده» را می‌توان قدیم‌ترین ترجمه فارسی بخشی از قرآن به‌شمار آورد.

24. Lazard 1963, pp. 41-45.

درباره ویژگیهای این ترجمه نیز نک: آذرنوش ۱۳۷۵، ص ۲۵-۶۲.

اشاره کرد که سالها پیش به هنگام تخریب بنایی فرسوده در کنار مرقد امام رضا (ع) کشف شد. این ترجمه، که احتمالاً متعلق به اواخر سده سوم یا اوایل سده چهارم هجری است، ترجمه‌ای نسبتاً آزاد و مهم‌تر از آن، نخستین ترجمه مسجّع و موزون بخشی از قرآن به زبان فارسی است.^{۲۵}

اگرچه در گذشته مترجمان متون مقدس شیوه‌های مختلفی را به کار می‌گرفتند، هیچ‌گاه فن ترجمه این متون را موشکافی نکرده و مستقلاً به بحث در این باره نپرداخته‌اند. نخستین کسی که به‌طور جدی به بررسی فن ترجمه متون مقدس پرداخت، یوجین نایدا (Eugene Nida) بود. او پس از سالها تجربه‌اندوزی در انجمن ترجمه کتاب مقدس، تعریف جدیدی از ترجمه ارائه کرد و ترجمه را «بازآفرینی نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد، نخست از لحاظ معنا و دوم از لحاظ سبک» دانست.^{۲۶} یکی دیگر از برجسته‌ترین صاحب‌نظران ترجمه، پیتر نیومارک (Peter Newmark) است. به اعتقاد او، ترجمه را می‌توان با توجه به تأکید آن بر زبان مبدأ یا زبان مقصد به هشت گونه تقسیم کرد. در ترجمه کلمه به کلمه، ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه وفادار و ترجمه معنایی تأکید بر زبان مبدأ است، اما در ترجمه پیامی، ترجمه اصطلاحی، ترجمه آزاد و اقتباس تأکید بر زبان مقصد است. به اعتقاد نیومارک، تنها ترجمه معنایی و ترجمه پیامی دو هدف اصلی ترجمه را، که دقت و صرفه‌جویی است، برآورده می‌سازد.^{۲۷} در ترجمه معنایی مترجم «معنا»، «افکار نویسنده» و «جزئیات متن» را مد نظر قرار می‌دهد، اما در ترجمه پیامی «پیام»، «خواننده» و «کلام» مورد نظر است.^{۲۸} از این رو، در ترجمه متون دینی باید از شیوه ترجمه معنایی استفاده کرد.^{۲۹}

۳. مشکلات ترجمه متون مقدس

آنچه درباره ترجمه به‌طور عام و ترجمه متون مقدس به‌طور خاص می‌توان پذیرفت، این است که ترجمه کامل و بی‌عیب هرگز ممکن نیست، چه، از سویی هیچ ترجمه‌ای بی‌تفسیر نیست و از سوی دیگر در هر ترجمه‌ای جنبه‌هایی از متن اصلی ناخواسته فدا می‌شود.^{۳۰} به همین علت است که یکی از مترجمان یهودی اواخر سده دوم پیش از میلاد، پس از ترجمه کتاب پدر بزرگش از زبان عبری به

۲۵. رجایی ۱۳۵۳، ص سی و هفت.

26. Nida 1975, p. 95.

27. Newmark 1988, pp. 45-47.

28. Newmark 1981, p. 23.

29. *Ibid*, p. 44.

30. Sawyer 1999, p. 79.

یونانی، چنین نوشت: «... هرگاه، عبارتی که در اصل به زبان عبری آمده است، به زبانی دیگر ترجمه شود، دقیقاً همان مفهوم را نخواهد داشت».^{۳۱} به علاوه، آنچه ترجمه کتابهای مقدس را دشوارتر می‌سازد، از سویی فصاحت و بلاغت آنها و از سوی دیگر اعتقاد به مُرسل بودن یا دست کم مُلهم بودن آنهاست. مترجم یک متن مقدس، علاوه بر برخورداری از همه ویژگیهای مترجم زبردست، از جمله تسلط به هر دو زبان مبدأ و مقصد، آشنایی کامل با فرهنگ هر دو زبان، آشنایی کامل با فنون و صنایع ادبی و البته امانت‌داری، باید با اصول اعتقادی و باورهای پیروان آن متن مقدس نیز به خوبی آشنا باشد. بسیاری از مترجمان برجسته، ویژگی مهم دیگری را نیز برای مترجم متون مقدس بر شمرده‌اند، و آن توکل مترجم بر لطف و عنایت الهی است.

در اینجا به معرفی اجمالی برخی از مهم‌ترین مشکلات موجود در ترجمه متون مقدس می‌پردازیم و به منظور خودداری از اطاله کلام تنها به ذکر نمونه‌هایی از اشتباهات موجود در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن اکتفا می‌کنیم. چنان‌که خواهید دید، حتی برخی از مترجمان سرشناس نیز در دام پاره‌ای از این مشکلات گرفتار آمده و ترجمه‌هایی نادرست و گاه نابخشودنی از خود بر جای نهاده‌اند.

پیش از ورود به اصل مطلب، ذکر این نکته لازم است که برخی از اشتباهات موجود در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن، نه به دلیل مشکلات ترجمه متون مقدس، بلکه به دلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری مترجمان بوده است. از آن جمله است:

وَاسْمِعْ وَانظُرْنَا (نساء: ۴۴)^{۳۲}

امامی ۳۳: بشنو و بنگر

ضمیر متصل -نا «ما را» ترجمه نشده است.

أَحْسَنَ الْقَصَصِ (یوسف: ۳)

الهی قشقه‌ای: بهترین حکایات را

Arberry: the fairest of stories

31. Hawthorne 1988, p. 890.

۳۲. شماره آیات مطابق قرآن‌هایی است که به خط عثمان طه در دمشق منتشر شده است.

۳۳. درباره مشخصات ترجمه‌های مورد استفاده، به فهرست منابع در پایان مقاله مراجعه کنید.

واژهٔ قَصَص «داستان سرایبی» به اشتباه قَصَص خوانده شده است.

البته، باید توجه داشت که برخی از واژه‌های قرآن را در قرائتهای مختلف می‌توان به صورتهای مختلف خواند و ترجمه کرد، مثلاً مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (فاتحه: ۴) در قرائتهای نافع و حمزه مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ است.^{۳۴} بنابراین، این آیه را می‌توان به هر یک از صورتهای زیر ترجمه کرد:

پاینده: فرمانروای روز جزا

خواجوی: پادشاه [مالک] روز جزا

Pickthall: Owner of the Day of Judgement

Sale: King of the Day of Judgement

ناگفته نماند که اگر کسی قرائت یکی از قراء معتبر را ترجیح می‌دهد، باید در همهٔ موارد تابع همان قرائت باشد، اما در برخی از ترجمه‌ها این نکتهٔ مهم نادیده گرفته شده است، از جمله:

قرائت عاصم	قرائت نافع	خواجوی
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (فاتحه: ۴)	مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ	پادشاه [مالک] روز جزا
يُرْجَعُونَ (آل عمران: ۸۳)	تُرْجَعُونَ	بازگردیده می‌شوند
كَسَاحِرٌ مُّبِينٍ (یونس: ۲)	لَيْسِحِرٌ مُّبِينٍ	سحری آشکار

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در مورد نخست، مترجم هر دو قرائت عاصم و نافع را ترجمه کرده، اما در مورد دوم، تنها قرائت عاصم و در مورد سوم، تنها قرائت نافع را ترجمه کرده است. از جمله مهم‌ترین مشکلات ترجمهٔ متون مقدس، یافتن معادلهای واژگانی مناسب برای واژه‌های به‌کاررفته در متن اصلی است. مترجم هرگز نباید به دانسته‌های خود اکتفا کند، بلکه، هر از گاه، باید با مراجعه به فرهنگهای معتبر و در پاره‌ای از موارد با مراجعه به تفاسیر، معنی دقیق واژه‌های دشوار را با توجه به زمان سرایش یا نگارش متن دریابد و آنگاه از میان معادلهای موجود، در زبان مقصد، معادلی را برگزیند که طبیعی‌تر از دیگران باشد و علاوه بر حفظ سبک و مفاهیم ضمنی واژهٔ اصلی، تأثیری نسبتاً مشابه، چه از لحاظ ادراکی و چه از لحاظ ادبی، بر خواننده

۳۴. پورفرزب ۱۳۶۲، ص ۱۱۹.

بگذارد. بی توجهی به این موارد را در برخی از ترجمه‌های قرآن می‌توان یافت:

وَإِنَّهَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهَا (بقره: ۲۱۹)

خرمشاهی: ولی گناه آنها بر سودشان می‌چربد

اگرچه در متون کهن فارسی «چربیدن» به معنی «غالب آمدن» و «افزونی داشتن» به کار رفته است، اکنون شمّ فارسی‌زبانان آن را واژه‌ای محاوره‌ای می‌شمارد. بنابراین، کاربرد آن در ترجمه قرآن پسندیده نیست. به علاوه، جمله مورد نظر جمله اسمی است، نه فعلی. از این رو، بهتر است این جمله را چنین ترجمه کرد: اما گناهشان بیش از سودشان است.

مترجم متون مقدس، علاوه بر دقت در معنی واژه‌های متن اصلی، باید از معنی دقیق واژه‌های زبان مقصد نیز آگاه باشد. متأسفانه، گاه برخی از مترجمان تصور می‌کنند، زبان مقصد را، چون غائباً زبان مادری‌شان است، به خوبی می‌دانند و خود را از مراجعه به فرهنگهای معتبر بی‌نیاز می‌بینند، به ترجمه این آیه دقت کنید:

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (فاتحه: ۴)

خرمشاهی: دادار روز جزا

واژه «دادار» در فارسی میانه به معنی «آفریدگار» بوده^{۳۵} و به همین معنی به فارسی دری راه یافته است و ارتباطی با ماده مضارع فعل «داشتن» (یعنی: دار) ندارد. از این رو، این واژه هرگز به معنی «دارنده» به کار نرفته است.^{۳۶}

علاوه بر آنچه گفته شد، در انتخاب معادلهای واژگانی باید به نکات زیر نیز توجه کرد:

۱. پیروان اغلب متون مقدس، معتقدند، در پس هر واژه و نیز در دفعات کاربرد هر واژه حکمتی نهفته است. مثلاً، در قرآن، دو واژه «دنیا» و «آخرت» هر کدام ۱۱۵ بار به کار رفته است و شاید از دید مسلمانان معتقد بتوان این نکته را چنین تعبیر کرد که مؤمن باید به یک اندازه در فکر «دنیا» و «آخرت» باشد و یکی را فدای دیگری نکند. از این رو، رعایت امانت ایجاب می‌کند، مترجم، واژه‌های اساسی متن را همه‌جا به یک صورت ترجمه کند، نه چنان که در زیر آمده است:

آخِرَةَ (بقره: ۴)

35. MacKenzie 1971, p. 23.

۳۶. خرمشاهی در تجدید چاپ ترجمه‌شان به سال ۱۳۷۵ این آیه را به «خداوند روز جزا» برگردانده‌اند.

المهی قشسه‌ای: عالم آخرت

آخرت (آل عمران: ۸۵)

جهان آخرت ابدی (نساء: ۷۷)

Arberry: the Hereafter (بقره: ۴)

the next world (آل عمران: ۸۵)

the world to come (نساء: ۷۷)

۲. برخی از مترجمان با توجه به علم وجوه و نظایر که از فروع تفسیر است، برای روشن کردن معانی مجازی واژه‌ها، استعاره را به غیر استعاره برگردانده‌اند. این کار علاوه بر آنکه ظرایف ادبی متن را نادیده می‌گیرد، معنای کلام را نیز محدود می‌کند، مانند:

وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ (بقره: ۱۴)

خواجوی: و چون با کاهنان خویش خلوت کنند

اگرچه واژه «شیاطین» در این آیه استعاره برای «کاهنان یهودی» است، ترجمه آن به «کاهنان» پسندیده نیست و معنای آیه را بسیار محدود می‌کند.

وَ لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ (بقره: ۳۵)

خواجوی: و از این گندم نخورید

معنی اصلی «شجرة»، «درخت» است و ترجمه آن به «گندم» معنی آیه را بسیار محدود می‌کند. به علاوه، به نظر برخی از مفسران، درختی که آدم و حوا از آن منع شده بودند «درخت سیب» بود. ضمناً، در این آیه، مترجم، در ترجمه «لَا تَقْرَبُوا» امانت را رعایت نکرده است، زیرا باید آن را به «نزدیک نشوید» ترجمه می‌کرد.

۳. همان‌گونه که ترجمه استعاره به غیر استعاره پسندیده نیست، ترجمه غیر استعاره به استعاره نیز نکوهیده است، به ترجمه آیه زیر دقت کنید:

وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي (بقره: ۷۸)

خرمشاهی: و از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب آسمانی [تورات] را جز طوطی وار [و لقلقة زبان] نمی‌دانند.

درباره معنی واژه «آمانی» در این آیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را به معنی «زمزمه تلاوت» می‌دانند. با وجود این، به کارگیری نماد «طوطی» در ترجمه این واژه، اگرچه تا اندازه‌ای

مفهوم را می‌رساند، مناسب نیست. به علاوه، طوطی پرنده‌ای است که معمولاً در نواحی استوایی یافت می‌شود و ذکر نام آن در قرآن عجیب می‌نماید.^{۳۷} به‌طور کلی، می‌توان گفت، در ترجمه متون مقدس باید ظاهر جملات را حفظ کرد و از تفسیر، تأویل، بیان وجوه محتمل کلمات و توجیه مشکلات کلامی و فلسفی و... خودداری کرد.^{۳۸}

۴. یکی از مشکلاتی که از دیرباز بر سر راه مترجمان بوده، وجود کلماتی است که معادلی در زبان مقصد ندارد. آگوستین قدیس نیز بدین نتیجه رسیده بود که برخی از واژه‌ها را نمی‌توان به زبانهای دیگر ترجمه کرد.^{۳۹} در این‌گونه موارد، یا باید واژه را به عبارت ترجمه کرد یا در صورت نیاز توضیحاتی در زیرنویس آورد، مانند:

وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (تکویر: ۴)

Shakir: And when the camels are left

«عشار» به «شتران ده ماهه آبستن» اطلاق می‌شود، نه به هر شتری. مترجم متن مقدس باید علاوه بر دقت در انتخاب معادلهای واژگانی طبیعی و مناسب، معادلهای دستوری طبیعی و مناسب را نیز برگزیند. از آنجا که زبانهای مختلف ساختهای دستوری متفاوت دارند، در ترجمه باید ساختهایی را به کار گرفت که به‌رغم اختلاف صوری، معنی اصلی متن مبدأ را منتقل سازد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (بقره: ۱۷۸)

فارسی: هان ای کسانی که ایمان آوردند

اگرچه «آمنوا» فعل سوم شخص جمع ماضی است و معادل صوری آن در زبان فارسی «ایمان آوردند» است، چنین ترجمه‌ای برای خواننده فارسی زبان غیرطبیعی می‌نماید.

وَ جَاؤَا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ (یوسف: ۱۸)

پاینده: و پیراهن وی را با خون دروغین بیاوردند

Arberry: And they brought his shirt with false blood on it

^{۳۷} این کار مانند آن است که یک نفر استرالیایی در ترجمه قرآن یا تورات استعاره‌ای را به کار گیرد که در آن واژه «کانگورو» به کار رفته باشد!

^{۳۸} نیز نک: کریمی نیا ۱۳۷۶، ص ۸.

39. Sawyer 1999, p. 79.

مفعولِ این جمله «خون دروغین» است، نه «پیراهن وی». به عبارت دیگر، معنی آیه چنین است: «و بر پیراهنش خون دروغین آوردند».

در ترجمه ساختهای دستوری و نحوی مشابه نیز باید اصل «یکسان بودن معادل در همه موارد» را رعایت کرد. عدم رعایت این اصل در نمونه‌های زیر دیده می‌شود:

مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

نسخه مورخ ۵۵۶ هجری: ملة ابراهيم مسلمان (بقره: ۱۳۵)

ملة ابراهيم گزیده (آل عمران: ۹۵)

دين ابراهيم مسلمانى (نساء: ۱۲۵)

پورجوادی: آیین یکتاپرستی ابراهیم (بقره: ۱۳۵)

آیین ابراهيم حق گرا (آل عمران: ۹۵)

دين پاک ابراهيم (نساء: ۱۲۵)

Pickthall: the religion of Abraham, the upright (بقره: ۱۳۵)

the tradition of Abraham, the upright (نساء: ۱۲۵)

the religion of Abraham, as one by nature upright (نحل: ۱۲۳)

Yusuf Ali: the religion of Abraham, the true (بقره: ۱۳۵)

the religion of Abraham, the sane in faith (آل عمران: ۹۵)

the way of Abraham, the true in faith (نساء: ۱۲۵)

تأکیدهای متون مقدس را باید به هر شکل ممکن در ترجمه حفظ کرد:

اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِينُ (فاتحه: ۵)

خواجوی: تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌خواهیم

«اِيَّاكَ» یعنی «تنها تو را»، بنابراین، ترجمه درست این آیه چنین است: «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم».

حفظ ترتیب کلمات نیز تا آنجا که جمله را غیرطبیعی نکند و بر معنی آن خدشه‌ای وارد نسازد از

ضروریات است. بنابراین، اَلْسَارِقُ وَاَلْسَارِقَةُ (مائده: ۳۸) را باید «مرد دزد و زن دزد» و اَلزَّانِبَةُ وَاَلزَّانِبَةُ

اَلزَّانِي (نور: ۲) را «زن زناکار و مرد زناکار» ترجمه کرد، اما در ترجمه آیه زیر، اگرچه مترجم ترتیب

کلمات را حفظ کرده، معنا تغییر کرده است:

أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ (توبه: ۳)

معنای: که خدا بیزار است از مشرکان و پیامبرش

ترجمه درست: که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند

توجه به علم منظورشناسی (pragmatics) از دیگر ضروریات ترجمه متون مقدس است. چنان که می دانیم، گاه متکلم برای بیان منظور خود از روشی غیر مستقیم بهره می گیرد؛ به عبارت دیگر، جمله ای را به کار می برد که معنای ظاهری اش با آنچه منظور نظر او بوده متفاوت است. مثلاً، ممکن است جمله ای پرسشی را به منظور خواهش مؤدبانه به کار گیرد، یا همچون جمله زیر که خداوند «به لفظ خبر گفت، اما به معنی نهی است»: ^{۴۰}

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ (هود: ۱۲)

خواجوی: شاید که بعض آنچه را که به تو وحی می شود ترک کنی

خرمشاهی: مبادا... برخی از آنچه بر تو وحی شده است فروگذاری

Palmer: Haply thou art leaving part of what is revealed to thee

ترجمه های خواجوی و پالمر معنای ظاهری آیه را می رساند، اما ترجمه خرمشاهی منظور جمله را. مسلماً در این آیه منظور خداوند را باید اصل قرار داد و ترجمه کرد.

البته، در صورتی که ساخت مشابه در زبان مقصد همان منظور را برساند، باید جمله را با حفظ ظاهر ترجمه کرد، مانند:

أَفِي اللَّهِ شَكٌّ (ابراهیم: ۱۰)

ترجمه او آخر قرن سوم: شک در الله روا نبود

Sale: Is there any doubt concerning God?

از آنجا که جمله پرسشی در هر سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی می تواند نقش تأکیدی نیز داشته باشد، در ترجمه فارسی هم می توان از جمله پرسشی استفاده کرد، زیرا در آن صورت نیز منظور آیه روشن است.

مترجم باید بکوشد، علاوه بر حفظ معنا و سبک متن اصلی، حتی الامکان زیباییهای ادبی را نیز

۴۰. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۴، ص ۳۶۲.

بنایانند. اگرچه ترجمه نوشته‌های موزون کار آسانی نیست، گاه می‌توان با ایجاد نوعی هماهنگی آوایی بر زیبایی ترجمه افزود. در زیر به چند نمونه قابل توجه از ترجمه آقای فولادوند اشاره می‌شود:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (تکویر: ۱-۲)

آنگاه که خورشید به هم در پیچد، وانگه که ستارگان همی تیره شوند

إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (قمر: ۱)

نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ (مزمّل: ۱)

ای جامه به خویشتن فرو پیچیده

نکوهیده‌ترین کار در ترجمه متون مقدس امانت‌داری نکردن و دخالت دادن نظرهای مغرضانه است. مثلاً به بخشی از ترجمه فرانسوی قرآن به قلم آندره شورقی (André Chouraqui)، مترجم سرشناس یهودی، نظر می‌افکنیم که بسیاری از کلمات را ترجمه نکرده است^{۴۱}:

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ مِنْكُمْ لَمَنِ طَغَىٰ أَنفُسُهُمْ يَأْتِخَاذِكُمْ الْعِجَلَ فَنُتَبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۵۴)

quand Mûssa dit à son peuple: ô mon peuple, vous

vous prenant le Veau; retournez à votre Créateur.

(= هنگامی که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! گوساله را برگرفتنید؛ به سوی آفریدگارتان بازگردید)

در پایان، این نکته را نیز باید افزود که گاه ظاهر جملات به گونه‌ای است که تعبیرهای مختلفی را امکان‌پذیر می‌سازد. از این رو، مترجم، تعبیری را برمی‌گزیند و ترجمه می‌کند که با اعتقادات مذهبی و فرقه‌ای خودش سازگار است. مثلاً، می‌توان به آیه مربوط به وضو اشاره کرد که مترجمان شیعه و سنی آن را به گونه‌های مختلف ترجمه کرده‌اند:

إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ

وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ (مائده: ۶)

۴۱. به نقل از: حدیدی ۱۳۷۸، ص ۱۵.

ترجمه‌های شیعیان

خرمشاهی: چون برای نماز برخاستید، چهره و دستهایتان را
تا آرنجها بشویید و سپس سر و پاهایتان را تا قوزکها مسح کنید

Shakir: When you rise up to prayer, wash your faces and your hands
as far as the elbows, and wipe your heads and your feet to the ankles

ترجمه‌های اهل سنت

نسخه مورخ ۵۵۶ هجری: چون ورخیزید و نماز، بشوید رویه‌هایتان را و
دست‌هایتان را تا به آرنجها و مسح کنید سرتان را و بشوید پای‌هایتان را تا به کعبین

Yusuf Ali: When ye prepare for prayer, wash your faces

and your hands (and arms) to the elbows; Rub your

heads (with water); And (wash) your feet to the ankles

منابع

ترجمه‌های فارسی قرآن:

الهی قشقه‌ای، مهدی، ج ۴، تهران، انتشارات رشیدی، ۱۳۷۳.

امامی، ابوالقاسم، تهران، انتشارات نگار، ۱۳۷۰.

پاینده، ابوالقاسم، تهران، انتشارات محمود کاشی چی، ۱۳۳۹.

پورجوادی، کاظم، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۲.

ترجمه اواخر قرن سوم، در: رجایی، احمدعلی، پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول

هجری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

خرمشاهی، بهاء‌الدین، تهران، انتشارات نیلوفر و انتشارات جامی، ۱۳۷۴.

خواجوی، محمد، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۹.

فارسی، جلال‌الدین، تهران، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۶.

فولادوند، محمد مهدی، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.

معزی، محمد کاظم، تهران، انتشارات علمیة اسلامیة، ۱۳۳۶.

نسخه مورخ ۵۵۶ هجری، در: ترجمه قرآن (نسخه مورخ ۵۵۶ هجری)، به کوشش محمد جعفر

یاحق، تهران، مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، ۱۳۶۴.

آذرنوش، آذرتاش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ۱. ترجمه‌های قرآنی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، اسطوره زندگی زردشت، تهران، کتاب‌سرای بابل، ۱۳۷۰.

پورفرزیب، ابراهیم، تهذیب القرائه، ج ۱، تهران، انتشارات خورشیدنو، ۱۳۶۲.

حدیدی، جواد، «ترجمه‌ای یهودی‌وار از قرآن مجید به زبان فرانسه»، ترجمان وحی، س ۳، ش ۲، ۱۳۷۸، ص ۱۲-۲۵.

رجایی، احمدعلی، پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

سلماسی‌زاده، جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.

کریمی‌نیا، مرتضی، «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ترجمان وحی، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۶، ص ۷-۲۴.

کشف الاسرار و عدة الابرار، به کوشش علی‌اصغر حکمت، چ ۵، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۴.

English Translations of the *Quran*:

Arberry, A. J., *The Koran Interpreted*, London, Oxford University Press, 1964.

Palmer, E. H., *The Koran*, London, Oxford University Press, 1960.

Pickthall, M., *The Meaning of the Glorious Qur'an*, Tehran, Salehi Publications, no date.

Sale, G., *The Korân*, London, Frederick Warne and Co. Ltd., no date.

Shakir, M. H., *The Holy Qur'an*, Qum, Ansariyan Publications, no date.

Yusuf Ali, A., *The Holy Qur'an*, Jeddah, Dar al-Qiblah for Islamic Literature, no date.

Ginsberg, H. L. et al., "Bible", *Collier's Encyclopedia*, ed. E. Friedman, New York, Macmillan Educational Company, 1986, vol. 1, pp. 116-141.

Graham, W. A., "Scripture", *The Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, New

- York, Simon & Schuster Macmillan, 1995, vol. 13, pp. 133-145.
- Hawthorne, G. F., "Translate", *The International Standard Bible Encyclopedia*, ed. G. W. Bromiley, Michigan, William B. Eerdmans Publishing Company, 1988, vol. 4, p. 890.
- Hoffmann, K., "The Avestan Script", *Encyclopaedia Iranica*, ed. E. Yarshater, London, Routledge & Kegan Paul, 1989, vol. III, pp. 47-51.
- Lazard, G., *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*, Paris, Librairie C. Klincksieck, 1963.
- MacKenzie, D. N., *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press, 1971.
- Miremadi, S. A., *Theories of Translation and Interpretation*, 2nd ed., Tehran, SAMT, 1993.
- Nasr, S. H. and Mutahhari, M., "The Religious Sciences", *The Cambridge History of Iran*, vol. 4, ed. R. N. Frye, London, Cambridge University Press, 1975, pp. 464-480.
- Newmark, P., *Approaches to Translation*, Oxford, Pergamon Press, 1981.
- , *A Textbook of Translation*, New York, Prentice Hall, 1988.
- Nida, E. A., *Towards a Science of Translating*, Leiden, E. J. Brill, 1964.
- , *Language Structure and Translation*, Stanford University Press, 1975.
- Onions, C. T. (ed.), *The Oxford Dictionary of English Etymology*, London, Oxford University Press, 1983.
- Sawyer, J. F. A., *Sacred Languages and Sacred Texts*, London, Routledge, 1999.
- Tafazzoli, A., "Dabire, Dabiri", *Encyclopaedia Iranica*, ed. E. Yarshater, Costa Mesa, Mazda Publishers, 1993, vol. VI, pp. 540-541.
- The New Encyclopaedia Britannica*, 15th ed., Chicago, Encyclopaedia Britannica, Inc., 1994.
- Van Voorst, R. E., *Anthology of World Scriptures*, 2nd ed., Belmont, Wadsworth Publishing Company, 1997.